

نوا

سفر به اعماق تاریخ موسیقی در آخرین سانس آینه‌دار ششم

دفتر اجرایی آینه‌دار ششم با موسیقی‌های کوچه‌بازاری تهران، ترکمن صحرا، ترانه‌های ارمنی و مجالس بخشی‌های شمال خراسان بسته شد.

علی مغازه‌ای در آخرین سانس ششمین دوره آینه‌دار گفت: موسیقی‌هایی که در این سانس اجرا می‌شوند از نظر ریپرتوار و کیفیت، فاصله دارند اما هیچ‌راه دیگری نداشتیم چون هم موسیقی بسیار کهن داریم و هم موسیقی که در جوانی خشکید و متعلق به تهران بود. البته دلایل بسیاری برای این امر وجود داشت. سازمان پرورش و ذوق عامه از دهه ۲۰ به بعد برای شکل دادن به موسیقی روشی داشت اما مقام‌های موسیقی قدیم به دلایل سیاسی وارد آن شد.

موسیقی مدرن نیز از تهران به شهرهای دیگر ایران سرایت می‌کرد که بعد از انقلاب به شکل دیگری متوقف شد و با توجه به نگاه حذفی به موسیقی امروز به وجود آمد. اما مانگه حذفی به موسیقی نداریم و در برنامه امشب آینه‌دار نمونه‌های از موسیقی کوچه‌بازاری را داریم.

سپس گروهی از هنرمندان، موسیقی کوچه‌بازاری تهران را اجرا کردند.

دبیر اجرایی آینه‌دار بعد از این اجرا بیان کرد: حالا با اجرای بخشی علیرضا سلیمانی به اعماق تاریخ موسیقی خراسان می‌رویم. مخاطبان سانس قبل آینه‌دار از ما خواستند این هنر مند دوباره به صحنه بیاید و اجرا کنند.

او از مسئولان تالار رودکی خواست به درخواست بخشی سلیمانی چراغ‌های سالن را روشن بگذارند تا این هنر مند بتواند در حین اجرا مردم را ببیند.

بخشی علیرضا سلیمانی نوازنده توتار در فرصتی که برای اجرا داشت یک داستان بخشی را روایت کرد.



سپس مغازه‌ای از هنرمندان ترکمن صحرا خواست به صحنه بیاید و بیان کرد: امشب سه ریپرتوار موسیقی ترکمن داریم. در این دوره باغشی‌هایی از ترکمن مهمان ما هستند که دردی طریک یکی از آنهاست و این روزها کم کار شده است. او به همراه خادوردی ترکی و حمید کم اولین ریپرتوار از ترکمن امشب را اجرا می‌کند.

بعد از اجرای هنرمندان ترکمن، ادوارد کشیشیان و سرژیک عابدی هنرمندان ارمنه به صحنه آمدند و قطعه‌ای از سایات نوبا به معنی «همه‌ی شما را دوست دارم» با ۲۵۰ سال قدمت اجرا کردند که مورد توجه مخاطبان قرار گرفت.

صحنه بعدی آینه‌دار با اجرای تقی یوسف‌نیا (نوازنده نی) و آواز احمد کشواد از شهر کلاله همراه شد. این هنرمندان بار دیگر موسیقی که برای درمان استفاده می‌کردند، به نمایش گذاشتند.

مغازه‌ای برای اجرای بعدی از کرم گل‌افروز بخشی جوان شمال خراسان دعوت کرد به صحنه بیاید و گفت: بخشی‌های شمال خراسان فرهنگ غنی و تاریخ دیرینه‌ای دارند به همین دلیل خواستیم به اندازه خودمان از آینه‌دار بخشی این منطقه حمایت کنیم، به همین دلیل از بخشی کرم گل‌افروز خواستیم که در آینه‌دار ششم حضور داشته باشد. به باور ما، او می‌تواند جای پدر و پدر بزرگش بگردد. اجداد او شهرت بسیاری در محدوده شیروان داشتند و فوز به مجد در سال ۱۳۵۶ نمونه‌ای از کارهای بخشی علی گل‌افروز را ضبط کرد.

او ادامه داد: من متقدم کرم که پسر علی بخشی است می‌تواند یکی از بخشی‌های درخشان ایران باشد به شرط آنکه بتواند از خودش مراقبت کند زیرا بخشی‌ها دستخوش زندگی امروز شده‌اند.

آینه‌دار ششم با رقص آیینی خنجر ترکمن به پایان رسید.

آیین پایانی ششمین فستیوال آینه‌دار ۱۴۴۱ از ماه در تالار وحدت برگزار می‌شود.

مدیر دفتر موسیقی با پشتوانه قدرت اجرایی که دارد عملاً مانع از ایجاد شرایط آزادانه برگزاری جلسات و حضور در جشنواره موسیقی فجر می‌گردد. بدتر از همه حضور او در شورای آرزو یابی جشنواره موسیقی فجر است که مشخصاً ناقض آیین‌نامه است

داشت؛ چرا که نقل و انتقالات در صدر اخبار بودن برای این مدیر دولتی جاه‌دندان‌گیری بود که در پشت میز ریاست سازمان چندان فراهم نبود؛ هر چند از نظر اداری در رتبه بالاتری از مدیریت فدراسیون فوتبال قرار داشت. اما اول دل بسته نامش و شنیده شدن آن در رسانه‌ها و هیاهوی فوتبال بود و آن مسافرت‌هایی که رئیس یک فدراسیون فوتبال می‌تواند داشته باشد و کیست که نداند که البته نان خوبی هم در نقل و انتقالات مربی و فوتبالیست‌ها ناشی از فساد حاکم بر شرایط اقتصادی همواره فراهم است.

او کسی بود که ترقی معکوس را می‌پسندید و حاضر بود ریاست بر سازمان عریض و طویل تربیت‌بدنی را رها کند تا مدیر فدراسیون فوتبال در ذیل آن سازمان باشد. هر چند این میل به ترقی معکوس نیز از انتخاب ناشایست او توسط مدیران بالادستی حکایت داشت. حال این قصه برای شرایطی که مدیر دفتر موسیقی در این روزها در جشنواره موسیقی فجر دارد مثل مناسبی است که البته در آن حاجت مناقشه نیز نیست. چرا که او نیز خواهان حضور در سمتی پایین‌تر (مدیریت جشنواره موسیقی فجر) و عهدهداری مسئولیتی است که می‌باید خود در اختیار زیرمجموعه‌اش قرار دهد اما خود را در آن به جدوار نمی‌داند. ای کاش وزیر ارشاد و معاون هنری نیز متوجه بودند که ایس‌رادی مدیریت شاید بر ایشان اندکی بلند است.

فعالیت، همکاری و ارتباط کاری با جشنواره داشته باشند. یعنی هرگونه افرادی که در جشنواره حضور داشته و یا کار و سمت اجرایی دارند در هیات آرزو یابی جشنواره به هیچ عنوان نباید حضور داشته باشند و متأسفانه اکنون این نقض آیین‌نامه رخ داده است و آرزو یابان جشنواره نیز تحت فشار ناشی از حضور مدیر دفتر موسیقی در جلسات قرار گرفته‌اند.

ضمن آنکه به نظر می‌رسد مدیر دفتر موسیقی حتی از زمان‌هایی که باید به امور اداری و روتین دفتر موسیقی برسد اصراف اموری می‌کند که در حیطه اختیارات او نیست و متأسفانه نظارت بر امور دفتر موسیقی نیز از نظر معاون هنری پوشیده مانده است. که اگر چنین می‌بود دیگر جلسات جشنواره موسیقی فجر در محل دفتر مدیر دفتر موسیقی بی‌معنا بود و صورت نمی‌گرفت. حتی جلساتی که برخی از آن به اتاق فکر آقای مدیر دفتر موسیقی یاد می‌کنند نیز برگزار نمی‌شد. اتاق فکری که از اولین روزهای حضور محمد الهیاری در دفتر موسیقی نسبت به دیده نشدن آن در آیین‌نامه جشنواره موسیقی فجر انتقاد داشت و شنیده‌ها حاکی از آن است که اکنون نیز خود چنین مشورت‌ها و جلساتی را دایر کرده است. این‌ها همه ناشی از آن است که اگر شرایط کاری و مدیریتی ایشان به‌درستی گوش‌سزد، تبیین و نظارت می‌شد به چنین وضعیت گرفتار در تمامیت‌خواهی دچار نبودیم و نقض قوانین و آیین‌نامه را شاهد نمی‌شدیم.

در این دهه‌ها مدیرانی در سلسله مراتب اداری دولتی ظهور و بروز کرده‌اند که برخی به علت عملکردهای جاه‌طلبانه خویش در آذهان مانده‌اند و برخی به علت سلطه و خودمحوری در امور. اما برخی از عجایب نیز در مدیران جاه‌طلب دیده شده است که به دنبال ترقی هستند، اما ترقی معکوس به خاطر دارند که در دوران دولت نهم، علی‌آبادی رئیس سازمان تربیت‌بدنی بود اما می‌خواست کاندیدای انتخابات فدراسیون فوتبال شود که در زیرمجموعه خود او جای می‌پذیرد در هنر نمایشی آن نیز سعی شده با استفاده از فاصله‌گذاری در نمایش، مردم را نیز در آن سهیم کنند و این گونه است که حضور پررنگ مخاطب عامی اصلی در آن است. آن هنگام که شبیه‌خوان حضرت عباس لب به مشارکت می‌گشاید و می‌گوید: «گر بی‌پناهی بگو یا حسین»، در آنجا مخاطب نیز وارد اجرای تعزیه می‌شود و با «یا حسین» گفتن هم به گرم شدن مجلس کمک می‌کند و هم از صمیم قلب



فجر در آنها حضور ندارد. از این رو این تخلف از آیین‌نامه امکان تکرار بسیار دارد و عمده‌ترین نکته‌جا مانده از آیین‌نامه است که می‌باید در اصلاحیه آن حتماً قید شود که رئیس جشنواره موسیقی فجر حق حضور و مداخله در جلسات مرتبط با جشنواره موسیقی فجر ندارد.

همچنین جلسات هیات انتخاب آرزو یابی جشنواره موسیقی فجر نمی‌باید از جانب دفتر موسیقی به‌عنوان نهاد بالاسری تحت فشار قرار بگیرد و در صورتی که با حضور مدیر دفتر موسیقی در این جلسات عملاً مانع از ایجاد شرایط آزادانه برگزاری جلسات و حضور در جشنواره موسیقی فجر می‌شود. بدتر از همه حضور او در شورای آرزو یابی جشنواره موسیقی فجر است که مشخصاً ناقض آیین‌نامه جشنواره موسیقی فجر است. چرا که در ذیل بند ۱۴/۴۶ آیین‌نامه صریحاً قید شده است که اعضای شورای آرزو یابی جشنواره مجاز نیستند که هیچ‌منافع،

آیین‌نامه شیوه و اسبابی جشنواره موسیقی فجر به خارج از بدنه ارشاد بود که می‌باید پس از انتخاب دبیر جشنواره تمامی موارد دیگر از دست مدیر دفتر موسیقی و معاون هنری خارج باشد و این دو نمی‌بایست دخالتی در این رویداد از ابتدا تا انتها شامل پذیرش گروه‌ها، انتخاب نفرات، هیات‌ها، شوراها و... داشته باشند یا چیزی بدان بیفزایند و با کم کنند و تنها در کسوت ضمانت بر حسن انجام آیین‌نامه و اجرای آن قرار دارند؛ همان کسوتی که در سلطنت مشروطه پادشاه داراست.

چرا که جشنواره نیز با حضور دبیر آیین‌نامه مشخص به اجرا سپرده شد. قرار بر این بود که دو سال اولیه این آیین‌نامه دقیق و موبه‌موا اجرا شود و محکی بخورد تا نواقص و موانع آن به خوبی در آید تا چنانچه لازم دیده شد اصلاحیه‌ای بر آن زده شود. اما هنوز دومین سال اجرای آیین‌نامه جشنواره موسیقی فجر به‌تمام نرسیده و می‌باید دوره‌سی و پنجم نیز بر طبق آیین‌نامه به اجرا گذارده شود که شواهدی از کنار گذاردن آن در برخی موارد به‌دست آمده است. مهم‌ترین مساله در تصویب این

این ساماندهی و مشخص کردن نحوه برگزاری جشنواره موسیقی فجر این رخداد عظیم حوزه موسیقی در دستگاه دولتی، اندکی رفتار ملوک‌الطوایفی مدیران و معاونان زیرمجموعه وزیر ارشاد را تعدیل کند و بتواند مهارتی به آن افسار گسیختگی‌ها بزند. همچنین معیاری از میزان پایبندی مدیران به قوانین را به دست مردم و مسئولین بدهد و اندکی در جهت شفافیت و پرهیز از فساد گام برداشته شود.

از این رو سسی و چهارمین دوره جشنواره موسیقی فجر، در حقیقت اولین دوره‌ای شد که با داشتن آیین‌نامه مشخص به اجرا سپرده شد. قرار بر این بود که دو سال اولیه این آیین‌نامه دقیق و موبه‌موا اجرا شود و محکی بخورد تا نواقص و موانع آن به خوبی در آید تا چنانچه لازم دیده شد اصلاحیه‌ای بر آن زده شود. اما هنوز دومین سال اجرای آیین‌نامه جشنواره موسیقی فجر به‌تمام نرسیده و می‌باید دوره‌سی و پنجم نیز بر طبق آیین‌نامه به اجرا گذارده شود که شواهدی از کنار گذاردن آن در برخی موارد به‌دست آمده است. مهم‌ترین مساله در تصویب این



بینا یاری

کمتر از دو ماه به زمان برگزاری جشنواره موسیقی فجر باقی‌مانده است و قاعدتاً اکنون می‌بایست هیات انتخاب جشنواره در پی اتمام مهلت فراخوان به آرزو یابی نشسته باشد و در پی ایجاد جدول برنامه‌ها و طراحی و آماده‌سازی آن باشد. اما همان گونه که از ابتدای امسال با استعفای مدیر دفتر موسیقی و مدیر اجرایی جشنواره موسیقی فجر اخبار خوبی بر نخاست؛ اکنون نیز از این دوره جشنواره موسیقی فجر اخبار دلگرم‌کننده‌ای به گوش نمی‌رسد. و مدام شنیده‌ها حکایت از مسائل و مشکلاتی دارد که افراد دلسوز را ناراحت و البته فرصت‌طلبان را خوشحال می‌کند. دو سال پیش بود که بالاخره با تغییر معاون هنری وقت، منتقدان جشنواره موسیقی فجر در همکاری با انجمن و دفتر موسیقی توانستند آیین‌نامه‌ای برای برگزاری جشنواره موسیقی فجر نوشته و به تصویب وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی برسانند که با

یادداشت

در حاشیه برگزاری ششمین فستیوال موسیقی نواحی و آیینی «آینه‌دار»

مخاطب تحمیلی نمایش تعزیه

لیلا موسی‌زاده

برگزاری فستیوالی با رویکرد محلی و آیینی که در هر دوره برگزاری آن به چند منطقه از ایران محدود می‌شود و اختصاص می‌یابد، فرصتی است تا گوناگونی بافت هر منطقه از منظر موسیقایی در قالب آداب و رسوم، آیین‌ها، جشن‌ها و مناسک و مراسم در کنار هم دیده شود و نگاهی کلی از هر منطقه را در ذهن مخاطب نقش بزند. ضمن آنکه برای مخاطب آشنا با نمودی از تصویر در خاطر مانده باشد و برای مخاطب تازه یافته یک شراره باشد که شاید در وقتی دیگر به دنبال آن برود و در جستجوی بیشتر بتواند با دریافت وسعت و عمق آن این گونه موسیقی‌ها بهتر آنها را در یاد. ساخت یک نگاه کلی از هر منطقه با این رویکرد می‌تواند دلیل خردی برای برگزاری موسیقی نواحی و آیینی روی سن سالنی در پایتخت باشد هر چند این گونه برگزاری‌ها شرایطی را نیز به موسیقی‌های نواحی و مراسم آمیخته با موسیقی که دور از محل نضج خود اجرا می‌شوند، تحمیل می‌کند. گذشته از فضای سالن و مکان برگزاری، و آداب مختص سن که برخلاف شرایط اصلی برگزاری موسیقی نواحی و آیینی مردمان است زمان نیز عنصر تحمیلی دیگری است چرا که

این نغمات، الحان و مراسم بنا به زمان مناسب خویش، برگزار می‌شوند و روی سن آن شرایط زمانی نیز فراهم نیست. به‌طور مثال نوروز خوانی همیشه اتفاق نمی‌افتد و یا در هر بامداد خبری از سحری خوانی نیست. بر مسلم است که این مسائل دست‌به‌دست هم می‌دهند تا هر اجرایی از موسیقی آیینی و نواحی در سالن‌های پایتخت به حد یک نمایش فرو گزیده شود و از آن اصالت نابی که در آن سرع است کمتر اثری در اجرا بماند. با همه اینها رکن اصلی تمام این موسیقی‌های آیینی و نواحی مردم هستند یعنی جماعتی که در کوی و برزن و میدان گرد بر گزار کنندگان جمع و همراه می‌شوند. مخاطب نیز در سالن‌های پایتخت نوع دیگری از تحمیل را نشان می‌دهد. آن چنان که در حین اجرای مراسم تعزیه ویژه آیین مناطق تهران این مساله باز نمودی ویژه یافت. تعزیه‌هنر رواج یافته توسط پایتخت‌نشینان است که در یکصد و پنجاه سال گذشته آنچنان بسط و گسترش به دیگر شهرهای ایران یافت که در جای‌جای ایران اجرا شده و می‌شود اما با این همه تعزیه همچنان تعلق خاطری به تهران دارد که روزگاری سلطان صاحب‌نظرش میل شدیدی به برپایی تعزیه در تکیه دولت داشت. از آنجایی که تعزیه در بین مردم و با همراهی آنها صورت